



مسنووليت متن و شکل بدوش نويسنده مضمون ميباشد، عقیده نويسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۸/۲۹

نويسنده: نصير احمد مومند

دهم محرم الحرام يا روز عاشورا

يکي ازان ماه های متبرک چهارگانه و ماه اول سال هجري قمری ماه محرم يا شهر الحرام ميباشد که روز دهم آن به نام عاشورا مسمی است. در مورد عاشورا تاريخ بسا وقایع و رویداد های بزرگ را از هنگام خلقت بابای آدم «ع» تا واقعه کربلا دردل خود ثبت نموده که جوامع مختلف بشری نسبت به آن دیدگاه های خاصی راداشته و ارزش قایل اند. بر بنیاد آن علما و دانشمندان مختلف نیز بر پهلو ها وجوانب مختلف ان مطالعات و تحقیقات انجام داده و بر اساس اعتقاد و مقتضیات عصر و جامعه خویش آنرا از زوایای مختلف بررسی و برجسته نموده اند که منحيث منبع خوب آموزش و عبرت بدسترس ما قرار دارد.

ما افغانها که افغانيم و مسلمان و این دو؛ هويت ملی ما را تشکیل میدهد و به حيث مسلمان همه ساله این روز تاريخی را زیر عنوان قیام و واقعه کربلا به یادبود این روز به اشکال و عناوین مختلف طی مجالس و محافل برگزار می نمائیم و انرا محدود و منحصر به واقعه کربلا میسازیم، در حالیکه با یک بررسی کوتاه تاريخی میتوان پیشینه اهمیت و برکت این روز را از روز خلقت بابای «آدم» تا واقعه کربلا در یافت که در ادوار مختلف درین روز چه واقعاتی بوقوع پیوسته منجمله واقعه کربلا و چه پیامی و درسی را سر راه ما گذاشته چراتجلیل میکنم؟ چقدر این رویداد ها آموخته و عبرت گرفته ایم؟ و یا چه تخطی و انحراف کرده ایم چه اندازه روحیه پیام را متأثر ساخته ایم؟ **زیرا ما اینرا به ساده گی درک می نمائیم که نزاع و کشمکش ها وجدال هاهمیشه بین طرفین حق و باطل در جریان است.** تفصیل و شرح مفصل آن از حوصله این نوشته بیرون است آنچه جان مطلب را درین مختصر تشکیل میدهد تمرکز به روح پیام واقعه این ماه در کربلا و بالاخص روز عاشورا ميباشد.

قیام رادمردان آزاده دشت کربلا برای جهان اسلام و مسلمانان نه تنها ، بلکه برای جهان بشریت میتواند درسی باشد بزرگ و آموزنده و فراموش ناشدنی. و این درست هنگامی بوقوع مپیوندد که یکبار دیگر گرد و غبار لوث و انحراف و انحطاط و تاریک اندیشی بالهائیش را بر فراز قلمرو راستی و درستی، بر عدالت و صداقت و شفافیت ، امن و آرامش میگستراند ، صداقت و محبت ابوبکر که صدیق اکبرش خوانند ، عدل و قسط و انصاف عمر خطاب ، حلم و حیای عثمان ذوالنورین و شجاعت و شهامت ، سخاوت ، ایثار و از خود گذری علی که اسدالله اش نامند در راه تامین رفاه و آسایش انسانی جایش را به بیعدالتی و بیداد گری، خود خواهی و شرک ، بوالهوسی ، انحراف و گمراهی خالی میکرد و آن نظام و امارتی را که به فرمان خدای عزوجل و بوسیله رسول برگزیده اش محمد مصطفی برای نجات بشریت از شرک و جهل و گمراهی بنیان گذاشته شده بود که نی در داشت و نی حاجب و دربان و پاسبانی و در صدر آن خلیفه مسلمین منحيث پاسبان و خدمتگار و در خدمت خاص و عام بیریا و بی مدعا قرار داشت و به داد ، دادخواهان بی امتیاز و تبعیض رسیدگی میکرد و همه را در آنجا راه بود . آن مسند و آن جایگاه به کاخ و قصر بی روح و بی احساس تخته بند مبدل شده ، وحشت و ظلمت جهالت بار در سایه ابلیس های چون یزید و یزیدیان برامت اسلام چیره میگردد . هیچ مظلومی را در آنجا راه نبود ، ناله و ضجه در گلوی شان خفه میشد ، فسق و فجور و فحشا ، ظلم و بیداد، بی انصافی و خودخواهی اوج میگرفت . پیروان اسلام و مکتب انسانیت در دو راه قرار گرفته بود ، سلفی از تبار رسالت و دودمان وحی تحمل چنین وضعی را نداشت اجازه نداد که شیرازه آن نظام انسانی و اسلامی نجات بخش و زندگی ساز از هم بپاشد و امت واحد جد جلیل القدرش که به خون نیاکان و گذشته گان و هم کیشانش تشکل و هستی یافته بود به انحراف و گمراهی ، بیراهه و خرافات پرستی خودکامگی و بی عدالتی کشانیده شود .

از همین جا ویر همین مبنی بود که ندای حق علیه مظالم و بی عدالتی و بی انصافی، مفساد ، انحراف و گمراهی از حنجره نواسه پیامبر جلیل القدر اسلام بلند گردید و برق آساطلم ترس و وحشت و سکوت و سیل بینی «باش ببینیم چه میشه» را در هم شکست. با ایمان راسخ ، صفا و صداقت حرف و عمل در راه عقیده اش که از جذبزرگوار و پدرش آموخته و به ارث برده بود شمشیر از نیام کشیده و علم عدل و جهاد برافراشت و با نعره حق و حقانیت به پیشواز معرکه شتافت . حسین این بزرگمرد ایثارگر و آگاه از رسالت و مسوولیت هایش به پیشگاه مردم و تاریخ که آگاهی بازتاب ایمان و مطلع عقیده و مظهر و نمایانگر میثاق و پابندیش به خط و مکتب آسمانی و نیاکانش بود ، دعوت و بیعت و حلقه تسلیمی

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دليکنی د ليکنیزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رايرلو مخکې په خير و لولئ

یزید را در برابر حق و عدالت و آئین و نظام نجات بخش و زندگی سازندگی و مردود میدانست با لحن مصمم و قاطع رد کرد و سر بکف نهاد اما سرتسلیم فرود نیاورد ، آهنگ کربلا کرد و با هفتادودوتن از یاران خویش مسلح با سلاح ایمان و عقیده برای تمثیل و تطبیق فرمان الهی و اردمیدان معرکه حق و باطل گردیدند و با ایثار و جانبازی و ریختن خونهای پاک خویش باب مکتب جدید قیام و ایستادگی بر ضد ظلم و بیعدالتی ، انحراف و گمراهی و فساد اجتماعی را یکبار دیگر بروی جهان اسلام کشودند.

خواننده عزیز! با وصف اینکه ما بخاطر ارجمندی و یاد بود این واقعه المناک تاریخ اسلام و رزمندگان آن در **راس نوه پیامبر (ص)** همه ساله به اشکال مختلف طی محافل تجلیل بعمل می آوریم . اجازه دهید و بجا خواهد بود اگر باتاسف اذعان نمایم همانطوریکه اکثراً مجالس خوشی و اندوه ما مسلمان ها باغلبه احساسات و عواطف و تشریفات در تخطی از روح تعالیم و اهداف اسلامی برگزار میشود این تخطی ها و خرافات در روح پیام قیام آزاده مردان کربلا نیز تا حدی رخنه کرده. این دعا های مجرد و این اب پاشیدنها بالای قیوم این ناله و اندوه مجرد چقدر نهالهای آرزوی حسین را به ثمر رسانده و ما چقدر آموخته ایم و عبرت گرفته ایم ، برای نسل جوان و آینده به غیر این ها چه را به میراث خواهیم سپرد؟

فکر میکنم در آموزش روح پیام این جانثاران راه خدا و مردم کمتر تمرکز نموده ایم . اگر قیام کربلا را یک آزمون خداوندی بدانیم سعی و تلاش در جهت حفظ و استحکام و استقرار امن و ثبات مجدد نظام اسلامی که بدست و خون دل جد بزرگوار حسین و خون اصحاب، یاران و پیروان با وفا و صدیقش بنا نهاده شده به شمار آریم و یا اگر قیام کربلا را بزرگترین مرحله و صحنه نمایش درجه خلوص در پیشگاه خداوند و حمایت از عدالت و دین خدا بخوانیم و یا با هر نوع الفاظ اشکال مناسب و زیننده ازین فداکاری ، ایثار و از خودگذری ایشان بگوئیم ، در فرجام آن بیک نقطه و فیصله و نتیجه متصل میشویم و آن اینکه اساسی ترین انگیزه قیام و شهادت امام و همزمانش به جز امتثال فرمان الهی و انجام رسالت و مسوولیت مأموریت شان در امر نجات و استخلاص جامعه بشری از شر ظالمین و گمراهان و زورگویان چیز دیگری نبوده است .

همانطوریکه از حضرت حسین روایت است که میگفت: **« قیام من قیام فردی و گروهی خاص جاه طلبانه، کامجو و آشوبگرو یا ستمگر نبوده ، بلکه فی سبیل الله بخاطر تامین خیر و رفاه خلق خدا و امت جدم بپا خاسته ، اراده دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم و از سیرت جد جلیل القدر و پدر بزرگوارم پیروی کنم» .**

بناءً چنین نیات و گفتار نشان میدهد و ثبوت کامل بدست میدهد که امام حسین نیت و گفتار خود را در میدان کربلا به اثبات رسانیده و جامه عمل پوشانید. امام درفش جهاد و قیام را برای این بلند نکرد که به قمیت خون هستی همزمان و امت واحد جدش براریکه قدرت تکیه زند و امتیاز و زربیندوزد و صاحب جاه و جلال شود ، بلکه این قیام هدفی داشت پاک که از چشمه زلال و مقدس آب میخورد ، هدفی که باید عدالت و انصاف امن و رفاه و حدت و همبستگی ، اخوت و برابری ، یکدلی و یکرنگی در پرتو ارزش های قانون آسمانی زمینگیر شود و دو باره جان گیرد و تحرک یابد . حسین برای تحقق عقیده پاک و مقدس و آرمانهای والاایش در راه تامین و استحکام نظام عدالت گستر و انصاف پرور ، و ترد ظلم و بیداد و انحراف و گمراهی ، بر زندگی ، هستی ارتباطات و وابستگی و دلبستگی هایش یکسره خط **بطلان کشید و مفهوم وسیع زندگی را تمام عیار و در عمل متجسم ساخت : «ماجان به فنا دادیم تا زنده شما باشید» .**

بلی! پیشینان قبل از حسین و حسین و همزمانش جانها و هستی های شریین و لحظات خوش خود و خانواده خویش را فدا و ایثار کردند تا نه تنها کافه امت اسلام زنده با شند بلکه از دیدگاه اسلام و قران که ناجی بشریت است خانواده بزرگ بشری از گمراهی و انحراف و بیعدالتی نجات یافته ، در صلح و سلم و امن و رفاه زیست باهمی داشته باشند . بیایید ببینیم ما چقدر از مثال و تعالیم آیین حسین در راه خوشبختی و سعادت خود و ممنوع خویش صادقانه در عمل بهره گرفته ایم روح پیام حسین را خوش و راضی نگه داشته ایم ؟

خواننده گرامی! افغانها بیش از چهل سال و اندی است که در آتش ظلم و بیداد یزید و یزیدیان چاکرمنش و معامله گرزمان خویش میسوزند و کشورشان به کربلای ثانی مبدل گردیده است و سناریو سازی زایش مصیبت و نارام نگهداشتن ملت افغان به گونه ها و عناوین مختلف و در استمرار قرار دارد که نمیتوان بیشتر ازین خاموش نشست و مهر سکوت بر لب نهاد . **قیام تاریخی و فراموش نا شدنی کربلا درس نجات و مقاومت علیه مستکبرین به مظلومان را به یادگار گذاشته و بما می آموزاند که اکنون نیز در برابر یزیدیان زمان و در میدان ها ، قراء ، کوچه ها و شهربازارهای خونین افغانستان با شمشیر حسین باید رزمید و بپا خاست .** جای تعجب است که در کابل سوگواری حسین و قیام کربلا برگزار میشود و کسانی از جایگاه دولت و رهبر اشتراک و سخن رانی مینمایند ، در حالیکه عملاً در رکاب امریکا آنگلیس ، روس ، بخصوص ایران و پاکستان و سایر یزیدیان سرکش زمان قرار داشته و علیه مردم مظلوم افغان و علیه مشی و پیام حسین توطیه می چینند .

اگر درد و رنج شهدا و وحشت اعمال و قتل و کشتار یزید و یزیدیان در دشت کربلا را از لابلای برگ های تاریخ احساس و آگاهی حاصل کرده ایم ، آنچه مصایب و مظالم و جنایاتی که بیشتر از چهل سال اخیر از جانب یزید صفتان اجنبی بوسیله عمال داخلی شان بر ملت مسلمان و کشور افغان روا داشته شده و هنوز هم در تداوم قرار دارد درد جانکاه هیست که روی یزید ، هلاکو ، تیمور لنگ و چنگیز و امثال آنها راشسته اند . ما خود شاهدان عینی بی عفتی ، تجاوز و سینه

بریدن های زنان و دختران پاکدامن و به سرمیخ کوبیدن و کله بریدن « کرت گویان» و در دادن جمعی انسانها در کانتینر ها و قتل و کشتار بیشتر از شصت هزار شهریان بیگناه کابل انفجار و انتحار هستیم و ایشان همین اکنون نیز میزبان و مجری گمراهی و بیعدالتی و مروج فرهنگ و کلتور گمراهان هستند. که در واقع آبروی ملت را به زمین ریختند و فدای خواسته های غلام منشانه خود نمودند .

آیا در خدمت قرار گرفتن و سنگرداری و پیشستیانی از تطبیق پلانهای استعماری و استثماری صلیبیان و یزیدیان خون آشام ، بیگانگان دور نزدیک منطقه و همجوار خیانت به داعیه حسین و کربلا نیست ؟ و آیا رهبران گروه ها و احزاب چپ و راست شیعه و تسنن هم اکنون در خدمت امریکا ، روس ، انگلیس و متحدان شان و بر ضد ملت خود در برابر دالروچوکی سرهای حسینیان زمان را با تیغ یهود امریکا ، روس ، انگلیس ، پاکستان و ایران و غیره نمی برند و بر ضد اسلام در جهت مخالف دین جد بزرگوار حسین قرار نگرفته اند؟ آیا اسلام برای اینها همین درس را میدهد که وطن و مردم خود را به دالر به دشمنان بفروشند و بر آبروی اهل تشیع و تسنن افغانستان معامله نمایند . ایشان از داعیه اسلام و عاشورا همین ارمغان و خصلت و وطنفروشی را آموخته اند ؟ تعالیم اسلام و ارشادات قرآن و پیامبر بزرگوار و پیام شهیدان قیام کربلا ابدًا چنین درسی را نداده است که تحت فرمان یزیدیهای زمان بحیات ذلت بار غلامی و گمراهی و انحراف ادامه دهند . در حالیکه پیام اصلی حسین سرا پا درس بپا خیزی و قیام و انقلاب در برابر ظلم و استبداد و بیعدالتی است .

در پایان درود و تحیات بر روان پاک شهدا و جانبازان راه حق و عدالت ؛ شهدای اسلام . دشت کربلا و شهدای افغانستان فرستاده و از بارگاه ایزدمنان صلح و امن و آرامی سراسر گیتی و بخصوص جهان اسلام و استقرار یک نظام صالح و شایسته را در افغانستان استدعا مینمایم.

پایان